

چکیده:

آثار لاینه اسلامی در کدکن شامل: مقبره، لیلون، مسجد یا خانقاه و سرداب و چندین سنگ مزار از قرن دهم تا سیزدهم هجری لسه که بیشتر آنها متعلق به سلسله متصوفه خلوی کبروی لسه و نشان دهنده آن لسه که این محل در قرون باد شده یکی از مراکز خلوتیه بوده لسه.

در این مقاله سعی شده لسه، ضمن معرفی مجموعه بنا و کتیبه های قبور و کاربری آن در میان مردم محل با لرئنه آگاهیهای درباره سلسله متصوفه خلوی کبروی و پیشینه آن، مختصری درباره علوتیان و لشعابهاسه آنها در نقاط مختلف پرداخته شود.



رسانقدی

مرکز خراسان شناسی

## آرام جای، مسجد والواح قبور خواجگان متصوفه خلوی کبروی در کدکن

مدخل

کدکن بر دامنه کوهی به نام عاشورا، در دهنه دره سپدر واقع در دامنه شمالی سلسله جبال چهل تن، از خراسان مرکزی، با مختصات جغرافیایی ۳۵ درجه و ۳۵ دقیقه عرض شمالی و ۵۸ درجه و ۵۳ دقیقه طول شرقی با ارتفاع ۱۹۰۰ متر از سطح دریا قرار دارد.<sup>۱</sup>

این شهر به عنوان مرکز بخش رُخ یا کدکن در ۷۵ کیلومتری شمال باختری تربت حیدریه واقع است، و از مرکز استان ۱۴۰ کیلومتر فاصله دارد.

دره برفگیر و پرآب سپدر و قلّه مُل کوه به ارتفاع ۳۰۱۳ متر، باعث شده که این آبادی، در چنبر طلایی جلگه رُخ، همانند نگینی زمردین جلوه گر شود؛ چنان که گفته اند:

۱- فرهنگ آبادیهای کشور جمهوری اسلامی ایران، تربت حیدریه، ج ۴۳، سال ۱۳۶۳، ص ۱۸۳.

بهشت روی زمین، کدکن از نیشابور است رجالشان همه غلمان، نائشان حور است آب فراوان، خاک حاصلخیز و هوای معتدل کوهستانی، سبب گردیده که کدکن از گذشته‌های دور، آبادان باشد و آثار باستانی کشف شده، از محل مربوط به ادوار پیش از اسلام، گواهی بر این مدعاست.<sup>۱</sup>

بعد از اسلام نیز کدکن، مهد تمدن و فرهنگ بوده، و افراد صاحب نامی همچون: کریم الشرق کدکنی؛ تاج‌الدین علی کدکنی؛ نورالدین منشی کدکنی و میرزا شفیع کدکنی داشته که در دوران سلجوقیان، خوارزمشاهیان و صفویان دارای مشاغل سپهسالاری، وزارت و صاحب دیوانی بوده‌اند. و نیز عارفانی همچون: شیخ ابراهیم عطار کدکنی؛ و پسرش شیخ فریدالدین عطار کدکنی، شیخ حیدر و سلسله‌ای به نام خلوی از این منطقه برخاسته‌اند.<sup>۲</sup>

از جمله اندیشمندان و فرهیختگان معاصر کدکن، می‌توان از فخرالشعرا کدکنی، میرزای خاوری؛ شیخ میرزا محمد شفیع کدکنی؛ شیخ هادی کدکنی و دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی و... نام برد.



آثار ابنیه اسلامی شامل: مسجد، ایوان، مقبره، سرداب و نیز تعدادی سنگ قبر - مربوط به قرون دهم تا سیزدهم - بر روی تپه‌ای در مرکز کدکن، از رونق بازار علم و ارشاد در آن دوران حکایت می‌کند. وجود عارفانی به نام خلوی الکبوری سبب این رونق بوده است.

نگارنده در این مقاله بر آن است تا به معرفی این مجموعه معماری تاریخی و سنگ قبرهای کشف شده و نیز هویت تاریخی سلسله خلوتیه بپردازد. ناگفته نماند که مرحوم عبدالحمید مولوی، سرپرسی سایکس و اوکین پیش از این هر کدام درباره این بنا

۱- عبدالحمید مولوی، «آثار قبر نظام‌الملک کبوری در کدکن نیشابور»، مجله یادگار، ج ۳، سال ۱۳۲۶، شماره ۸، ص ۲۸.

۲- ابوحامد فریدالدین عطار نیشابوری، مختارنامه، تصحیح دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی، انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۷۶، ص ۲۳.

۲- محمدرضا خسروی، جغرافیای تاریخی ولایت زاوه؛ انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۶، ص ۲۱۶.

مطالبی ارزشمند نوشته‌اند که در این مقاله از آنها بهره برده‌ایم.

موقعیت کلی مسجد، ایوان، مقبره و سردایها

مجموعه معماری مذکور، در قسمت مرکزی شهر، در انتهای کوچه مزار بر روی تپه‌ای قرار دارد و بردور آن دیواری آجری کشیده شده، که آن را از منازل مسکونی جدا می‌کند.



نقشه شماره (۱)

همان طور که در نقشه شماره یک مشاهده می‌شود بناهای مذکور به هم پیوسته ساخته شده به طوری که ایوان بین مقبره در جنوب و مسجد در شمال آن واقع است. در همگی آنها به سمت مشرق باز می‌شود، صحن و وسیعی در شرق و شمال بنا قرار دارد، که مردم تا چند دهه پیش مردگان خود را در آن مکان به خاک می‌سپردند و سردایها در قسمت شمال و جنوب صحن و داخل مقبره قرار دارد. لازم به ذکر است که بیشتر ساختمان مقبره از بین رفته و تنها قسمتی

از دیوار اصلی جنوبی آن باقی است و سقف ایوان به کلی ویران گردیده، البته چند سالی است که اداره میراث فرهنگی خراسان با همت آقای سیدمحمد محمودی از اهالی کدکن، در حال بازسازی آن است.

معماری بنا

این مجموعه معماری به استثنای دیوار جنوبی مسجد که به ارتفاع ۱۲۷ سانتی متر از قلوه سنگ ساخته شده، همگی آن از آجر و گچ است.

مسجد به صورت شبستانی مکعب مستطیل در ابعاد ۷×۱۴ متر است که در مرکز آن دو طاق بزرگ بانمای منحصر به فرد تشکیل دو گنبد چهار ترک را داده‌اند. در انتهای هر یک از دو طاق مذکور طاقهای گهواره ای دیگری به مثابه ستونی برای استحکام گنبدها

ساخته شده است. این طاقها با آجرکاریهای برجسته، تنوعی را در سقف ایجاد کرده است. اوکین، طاقهای مذکور را به طاقهای عبادتگاههای اختصاصی قبله ایوان مسجد جامع بستان تشبیه کرده است.<sup>۱</sup> محرابی هشت گوشه و فرورفته در دیوار غربی، در قاب مستطیلی قرار گرفته و در طرفین آن در دو طبقه، چهار غرفه در دیوار تعبیه شده، که از غرفه هم کف دست راست محراب، دری به عمارت و منازل پشت مسجد باز می شود. از غرفه هم کف دست چپ گوشه جنوب غربی پلکانی - مارپیچ - به اتاقهای کوچکی در پشت ایوان و مسجد و بالای آنها یک بالاخانه عالی تر با اتاقهای کوچک می رسد. دو غرفه طبقه دوم طرفین محراب، به وسیله راهی از پشت محراب به همدیگر ارتباط پیدا می کند.

دیوار شمالی شبستان در دو طبقه ساخته شده که طبقه زیرین آن، دارای چهار حجره به طول و عرض ۱۰۰ و ارتفاع ۱۵۰ سانتی متر است، طبقه دوم به گونه ای ساخته شده است که بر شبستان مسجد مشرف است. این طبقه دارای طاقچه های گنبدی است که اوکین آنها را به نیم گنبد های بالای محراب زیارتگاه مسجد جامع فیروزآباد مانند کرده است.<sup>۲</sup> پلکانی مارپیچ از گوشه سمت راست شبستان به این طبقه راه پیدا می کند. دری از دیوار شمالی مسجد، به ایوان باز می شود و قسمت چپ دیواره این در را با گچ و خاک قرمز اندوده اند و اهل ذوق - با مرکب سیاه - جملات و اشعاری را با خط نستعلیق بر روی آن نوشته اند. از آن میان این سه مورد را می توان به عنوان نمونه ذکر کرد:

الف:

تا از در روضه رضا دور شدم      در ملک سلیمان جهان مور شدم  
صد شکر که از جاذبه لطفش باز      پروانه شمع محفل نور شدم  
تراب اقدام شیعیان علی بن ابی طالب فتحعلی آخوند زاده (مهد الشرق)، شهر

رجب، ۱۲۹۴.

ب:

به هر کس که خواهی کنی آشنایی      به نیک و بد او نظر کن تمام

1. Timurid Architecture in khurasan, Bernard o'kane -1976 -368

2. O'kane -368

اگر نیک خُلق است اطوار او      به او بگذران، روزگاری تمام  
اگر نناقول است اطوار او      سلامٌ علیکم، علیکم سلام  
سنه ۹۶۵ ش - ف - ی - ع - ی - ک - د - ک - ن - ی.

ج:

... در سنه ۱۲۵۲، اول ماه صفر و هر دو ربیع و بای عام، در خراسان افتاد...  
متصل به مسجد، در جهت جنوبی آن، ایوان بزرگی به عرض هفت و طول چهارده  
و بلندای دوازده متر قرار دارد که سقف آن توسط اهالی - در چند سال پیش - به کلی  
خراب شده است. سازمان فرهنگ و هنر (سابق) از خرابی بیشتر آن جلوگیری کرده  
است.



نمایی از ایوان

ایوان دارای محرابی هشت  
گوشه تورفته در دیوار با ضریبی  
جناقلی است و در طرفین آن در  
سه طبقه، حجره‌هایی در درون  
دیوار، تعبیه شده است و طبقه  
سوم به گونه‌ای ساخته شده که بر  
فضای داخلی ایوان، اشراق دارد.

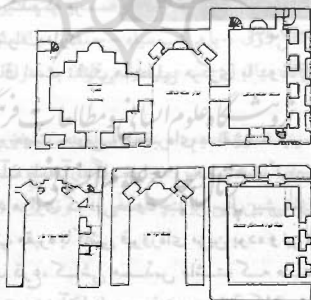
این طبقه شامل سه اتاق است: اتاق مستطیلی مرکزی با دو اتاق طرفین آن که دارای  
ضریبی گنبدی بوده اند.

متصل به ایوان در جهت جنوبی آن مقبره‌ای با نقشه صلیب مانند وجود دارد که  
سایکس نمای داخلی آن را به آرامگاه خواجه ربیع شباهت کرده است.<sup>۱</sup>  
مرحوم عبدالحمید مولوی که در حدود چندین سال پیش، از بنا دیدن کرده است،  
می‌نویسد: «خارج سقف مقبره با کاشی فیروزه‌ای مزین بوده و نیز تمام ازاره داخل مقبره  
تا قریب به یک ذرع، کاشی مسدس داشته که صدرالعلمای تربتی و  
مظفرالممالک (حاکم تربت) آنها را به سرقت برده اند. کاشی ازاره، بسیار ظریف و  
دارای نقش دقیق و رنگ آمیزی لاجوردی و سفید بوده؛ و نیز در گوشواره‌های داخل

مقبره هشت ستون سنگی در نبش دیوار، نصب است که بر آن با گچ، قسمتی از سوره «یس» را با زمینه لاجوردی و خط سفید نوشته اند. از این کتیبه قریب نصفی باقی است. در زاویه جنوب غربی، در خلال باقی مانده کتیبه، عبارت «فی شهر ذی الحجه ۹۰۶» باقی مانده است. بعد از کتیبه مذکور، روی دیوار و مُقرنِس گوشواره‌ها را به سطوح مختلف، تقسیم و با لاجورد و شتجرف / شنگرف و رنگ سبز و زرد و قرمز نقاشی برجسته کرده اند. نقاشی و رنگ آمیزی مذکور نمونه مطلوبی از نقاشی اواخر دوران تیموری است. قسمتی از همین گچکاری در نزدیکی در بندی که از ایوان مسجد و مقبره باز بود - ریخته و از زیر آن گچکاری و نقاشی دیگری ظاهر شده که نسبتاً ساده تر است و معلوم می‌دارد که قبلاً بنا به وضع دیگری مزین بوده و در ذی الحجه ۹۰۶ ه. ق. تزئین دیگری بر آن اجرا و احتمالاً در همین سال مقبره، نیز تعمیر گردیده است.<sup>۱</sup>

طبق نظر سایکس نمای بیرونی گنبد با کاشیهای سفید، مشکی، و آبی روشن مزین بوده است، اما او از شکل آن طرحی ارائه نکرده است.<sup>۲</sup>

چندین سرداب به ارتفاع ۱/۵ متر، با قوس ضریبی از آجر و گچ در شمال و جنوب صحن و در داخل مقبره ساخته شده که پر از استخوان مردگان است.



نقشه شماره (۲)



## کاربری و تاریخ بنا

مجموعه بنای تاریخی کدکن را مردم محل، به نام مزار، بقعه شیخ حیدر و مزار عبدالله بن موسی الکاظم<sup>۱</sup>، و خواجه نظام‌الملک و نظام‌الدین می‌شناسند. و در فهرست آثار تاریخی سازمان میراث فرهنگی، این مجموعه معماری به نام بقعه شیخ حیدر ثبت شده و در گزارشی که در نشریات و کتب بعد از سال ۱۳۴۱ درباره این بنا نشر یافته، همواره از آن به نام بقعه شیخ حیدر نام برده‌اند و تاریخ ساخت آن را به دوره سلجوقی خوارزمشاهی می‌رسانند.<sup>۱</sup>

برخی از محققان و باستان‌شناسان مقبره را کار دوران تیموری، و مسجد را از آثار

معماری قبل از دوره ایلخانی ذکر می‌کنند.<sup>۲</sup> و بعضی دیگر با توجه به سبک معماری و نقاشی و رنگ آمیزی مقبره و مسجد و ذکر تاریخ (۹۰۶ هـ ق) ساخت، آن را قدیمی تر از قرن نهم نمی‌دانند.<sup>۳</sup> اگر نظریه گروه اول درباره



نمایی از مقبره

ساخت بنا در دوره سلجوقی برای مقبره شیخ حیدر درست باشد، احتمال می‌رود این بنا مقبره همان شیخ حیدر، از نوادگان امام موسی بن جعفر<sup>۴</sup> باشد که شیخ فریدالدین عطار کدکنی در ایام شباب حیدری نامه را به جهت او به رشته تحریر درآورده است نه قطب‌الدین حیدر زاوه‌ای! زیرا «قطب‌الدین حیدر چنان‌که از شیخ نظام‌الدین اولیا در فواید‌الغواد نقل می‌شود ترک بچه‌ای بوده است و در واقع نام پدرش هم به موجب قول

۱- نصرت‌الله مشکوتی، «فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران»، نشریه سازمان حفاظت آثار باستانی ایران، تهران ۱۳۴۱، ص ۹۵.

- ایرج انشار، «چرخ دیگر در خراسان»، ماهنامه زمان، شماره ۲۱، اسفند ۱۳۷۷، ص ۴۳.

۲- مجله یادگار، ص ۳۹.

- بناهای آرامگاهی، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ج اول، ج ۱، تهران، ۱۳۷۶، صص ۱۱۴-۱۱۳.

۳- آقای رجبعلی لباف خانیکی، در یادداشتی که به بنده دادند.

تذکره الشعرا از نژاد خاقان ترکستان بود. خود دولت‌شاه شاهر و صاحب مجمل فصیحی تیمور بن ابوبکر یاد می‌کند.<sup>۱</sup> دلیل دیگر این که کدکن در دوران سلاجقه و خوارزمشاهی آبادترین دوران خود را می‌گذرانده و شیخ فریدالدین در زروند - آبادی در دو کیلومتری شمال شرق کدکن - متولد می‌شود و در کدکن مقام می‌گیرد:

شد زرش را خاک نیشابور کان مولدش زروند و کدکانش مکان<sup>۲</sup>

شاید علت این که در کدکن مقام می‌گیرد آن باشد که شیخ حیدر در این زمان در کدکن این محل را خانقاه قرار داده و عطار برای ورود به وادی عشق و عرفان به آنجا کوچ کرده است، چنان که در کتاب مجالس المؤمنین به این امر اشاره شده است:

«اصل شیخ (عطار) از کدکن از اعمال نیشابور است و خرقة از دست سلطان العاشقین مجدالدین بغدادی پوشیده و در طفولیت نظراز قطب‌الدین حیدر یافته، در کدکن مرید او بوده و حیدری‌نامه را در ایام شباب به نظم آورده است»<sup>۳</sup>.

دلیل دیگر، چنان‌که در سطرهای بعدی خواهیم دید در دوره تیموری و صفوی سلسله خلوی کبروی در این محل به ارشاد و تزکیه نفس مشغول بوده‌اند و از طرفی دیگر چنان‌که ذکر شد، شیخ عطار خرقة از دست مجدالدین بغدادی پوشیده که او از مریدان نجم‌الدین کبری بوده است.



نمایی از مسجد

آنچه مسلم است، این که حجره‌های متعدد خاص متصوفه که برای سکونت و چله‌نشینی ساخته شده و کتیبه باقی مانده که سال تعمیر بنا را (۹۰۶ ه.ق) می‌داند، و سبک معماری و

- ۱- عبدالحمید زرین کوب، جستجو در تصوف ایران، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۹، ص ۳۶۷.
- ۲- در میله سنگ سیاهی که امیرعلیشیرنویسی (متوفای ۹۰۶ ه.ق) برای مزار عطار فراهم آورده، بیت فرق حک شده است.
- ۳- قاضی نورالله شوشتری، مجالس المؤمنین، انتشارات اسلامی، سال ۱۳۵۲، ص ۹۹.
- دولت‌شاه سمرقندی، تذکره الشعرا، به تصحیح محمد عباسی، انتشارات بارانی، تهران ۱۳۷۱، ص ۵۱۷
- ایرج امانی قرایی، مزار قطب‌الدین حیدر، مشکوة، شماره ۴۲، بهار ۱۳۷۲، ص ۱۵۲.



نقاشی و رنگ آمیزی ظاهری بنا و الواح مزار خواجهگان متصوفه خَلْوَى الكبروی، نشان می‌دهد که این مجموعه معماری از قرن هشتم تا سیزدهم، خانقاه سلسله متصوفه خَلْوویه کبروی بوده است و عارفان این سلسله در این محل، به ریاضت و سقایت دل از انوار الهی مشغول بوده اند.<sup>۱</sup>



سازمان میراث فرهنگی که از چندین سال پیش تاکنون به مرمت صحن آن اقدام کرده است، در خاک برداریهای متعدد، تعداد زیادی سنگ قبر به دست آورده که اکثر آنها بر اثر حوادث طبیعی یا به دست افراد، از بین رفته است. تعدادی از این الواح را مرحوم عبدالحمید مولوی و چند تایی را آقای رجبعلی لباف خانیکی - کارشناس میراث فرهنگی خراسان - و تعدادی را هم نگارنده بازخوانی کرده که در سطور آتی به معرفی آنها خواهیم پرداخت. ناگفته نماند که جای اصلی این الواح مشخص نیست و در مقبره، سنگی قبری وجود ندارد، بلکه تمام آنها در مسجد، نگهداری می‌شود.

### سنگ مزارها

#### ۱- سنگ مزار خواجه نظام‌الملک خَلْوَى کَبْرَوِی

یکی از مهمترین سنگ گورهایی که بدون نقص تاکنون باقی مانده است، سنگ مذکور می‌باشد. در تَرْنَج بالای سنگ، «الحکم لله تعالی» و در حاشیه چهار طرف آن عبارت زیر حکاکی شده است:

«اللهم صل علی محمد المصطفی و صل علی علی المرتضی و صل علی فاطمه الزهراء و صل علی الحسن المجتبی و صل علی الحسین شهید بکربلا و صل علی علی العابد و صل علی محمد الباقر و صل علی جعفر الصادق و صل علی موسی الکاظم و صل علی الامام الهمام علی بن موسی الرضا و صل علی محمد التقی و صل علی علی النقی و صل علی الحسن العسکری و صل علی محمد المهدی صاحب الزمان صلوات الله علیهم اجمعین».

در متن سنگ مندرج است:

و هذا وفات عالی جناب سعادت اکتساب رفعت مأب معالی انتساب اعالی ایاب سلیله المشایخ العظام الکرام السعید الشهید المرحوم المبرور المشکور الملحق الی جوار الله المالك الملك شیخ معزالدين نظام الملك بن عالیجاه معارف پناه شیخ الاسلام الاعظم شیخ شهاب‌الدین سلام الله بن عالی حضرت ارشاد پناه حقایق دستگاه قدوة السالکین برهان المحققین قطب الاقطاب والاوتاد شیخ نعیم الحق و الحقیقه و التقوی و الدین نعمه الله الخلوی الکبری به تاریخ سابع شهر سنة ثمان ثلاثین و تسعمائه. (۹۳۸).

از پدر و جد خواجه نظام الملك که در این کتیبه گور با احترام بسیار از آنها یاد شده، هیچ گونه اطلاعی در محل و کتابها به دست نیامد.

مرحوم مولوی با توجه به سال ۹۳۸ که وفات خواجه نظام الملك در آن واقع شده است و سال تعمیر مقبره ۹۰۶ انجام شده، احتمال داده که شاید مقبره محل دفن نعیم‌الدین باشد.

## ۲- سنگ مزار شیخ محمد امین خلوی

سنگ قبری در اندازه ۲۰×۵۰ سانتی متر در پایه دیوار، در سمت چپ در مسجد نصب گردیده که عبارات روی آن بدین شرح است:

و هذا مرقد عالی جناب معالی نصاب عمدة الاعظام المشایخ العظام شیخ محمد امین بن مرحمت پناه، شیخ ابوالوفاء الخلوی الکدکنی توفی فی شهر ذی الحجة سنة ۱۰۵۳

سنگ مزار دیگری از متوفای مذکور در اندازه ۵۰×۵۰ سانتی متر که قسمت پایین آن از بین رفته



سنگ مزار  
خواجه نظام‌الملک

وسط‌های باقی مانده آن چنین است:

«...عمده‌المشایخ العظام الکرام شیخ محمد امین الخلوی التوفی فی سنه ۱۰۵۳هـ»

### ۳- سنگ مزار امیر علاءالدین

در پایه دیوار سمت راست در مسجد، به ارتفاع یک متر از سطح زمین سنگ لوحی در اندازه ۲۰×۵۰ سانتی‌متر نصب شده که این جملات بر آن نقش بسته است:

«اللهم صل علی النبی و الوصی و البتول و السبطین و السجاد و الباقر و الصادق و الکاظم و الرضا و التقی و النقی و المسکری و المهدی صاحب الزمان، صلوات الله علیهم اجمعین».

در متن سنگ حک شده:

«وفات جناب سیادت و نقابت پناه سعادت و نجابت دستگاه معالی نصاب المبرور و المفقور امیر علاءالدین علی اصغر بن جناب سیادت و نقابت پناه میرزا علی اکبر الحسینی الکردکنی فی یوم الخمسین جمادی الثانی سنه سبع و سبعین و تسعمائه» (۹۷۷).

آن چنان که در سنگ قبر مذکور مشاهده می‌گردد امیر علاءالدین از سادات کدکن بوده و جد ایشان حضرت علاءالدین مستجاب الدعوه، از نوادگان امام سجاد<sup>(ع)</sup> بوده و در زمان غیبت صغری حضرت مهدی (عج)، زندگی می‌کرده است. اکنون مزار این بزرگوار، در قسمت جنوبی کدکن در محلی به نام (سرده) در بالای تپه‌ای قرار دارد.<sup>۱</sup>



سنگ مزار شیخ معتمد امین خلوی



سنگ مزار امیر علاءالدین

۱- شجره‌نامه این بزرگوار در محل امامزاده علاءالدین کدکن نگهداری می‌شود و طبق تحقیقی که

## ۴- سنگ مزار میرزا ابراهیم خلّوی

سنگ مزار فوق در اندازه  $70 \times 25$  سانتی متر است که در شش سطر با خط نستعلیق این کلمات بر آن نوشته شده است: «ام الملك من هاجبه مزارق بناه شيخ الاسلام وهذا مرقد نوگل بوستان زندگانی میرزا محمد ابراهیم ولد رفعت و متعالی پناه شیخ محمد صالح الخلّوی سنة ۱۰۴۸هـ».

## ۵- سنگ مزار شیخ طاهر خلّوی

سنگ مزار مذکور در ابعاد  $30 \times 50$  سانتی متر که قسمت انتهایی آن شکسته و تاریخ فوت صاحب آن از بین رفته و نوشته های باقی مانده به قرار ذیل است: «هذا مرقد مرحمت و مفرت پناه تحية المشايخ العظام امير طاهربن خادم الحرمين محمد مؤمن ... الخلّوی... الكدکنی...»

## ۶- سنگ مزار درویش نظام الدین

سنگ مزار افراشته ای در اندازه  $20 \times 20$  سانتی متر که بر روی آن با خط نستعلیق نازک جملات زیر حک شده است: «هذا مرقد ... شعار درویش نظام الدین ولد شریف حداد کدکنی سنة ۱۰۶۱ هـ. ق.»

## ۷- سنگ مزار خواجه ضیاء الملک

سنگ گوری از مرمر سفید در اندازه  $120 \times 20$  سانتی متر از وسط شکسته شده که با خط نسخ در چهارده سطر قاب بندی شده است. چند سطری که خوانده شد، بدین شرح است:

«الحکم لله تعالی تاریخ وفات مهر سپهر... قوه... عابدان... معالی امام الخیر... نصرت... و جلالت... الملک ابوالملک خواجه معزالدوله والدین ضیاء الملک نورالله مرقده در روز شنبه... محرم الحرام سنه تسع عشر و تسعمائه (۹۱۹)».

## ۸- سنگ مزار خواجه غیاث‌الدین محمدالکدکنی

سنگ مزاری در اندازه  $۱۲۰ \times ۵۰$  سانتی‌متر که قسمتهای فوقانی آن شکسته و مفقود شده؛ همانند سنگ گور خواجه نظام‌الملک بر حاشیه چهار طرف آن اسامی چهارده معصوم حک شده و متن آن بدین شرح است:

«... یا علی یا علی یا علی...»

هذا مرقد عالی جاه رفعت و معالی دستگاه مغفرت مرحمت پناه شیخ‌الحق و الدین... العظام... رحمة الله... خواجه... الدین... المغفور المشکور خواجه غیاث‌الدین محمد الکدکنی... شهر رمضان المبارک سنه اربعین و تسعمائه... (۹۴۰ هـ. ق).

## ۹- سنگ مزار خواجه جلال‌الدین شاه بیگ نیشابوری

سنگ مزاری در اندازه  $۱۷۰ \times ۷۰$  سانتی‌متر که با خط ثلث در هشت سطر جملات زیر بر آن نقش بسته است:

الحکم لله تعالی هذا مرقد جلال القاب عصمت و عفت پناه و معالی دستگاه و رفعت پناه معالی دستگاه الکابر والاعظام خواجه جلال‌الدین شاه بیگ نیشابوری تحریراً فی تاریخ سنه... ربيع الثانی سنه...»

## ۱۰- سنگ مزار امیر شاه حسین حسینی

سنگ سیاه و کوچکی که این جملات بر آن دیده می‌شود:

«هذا مرقد غفران پناه و عفت دستگاه و مرحمت پناه... امیر شاه حسین حسینی سنه ۱۰۵۵ هـ. ق.»

## ۱۱- سنگ مزار ملیحه بانو

سنگ سیاه و کوچکی در ابعاد  $۵۰ \times ۳۰$  سانتی‌متر که قسمت فوقانی و تحتانی و تاریخ آن شکسته شده است. شش سطر باقی مانده به این ترتیب است:

«هذا مرقد عصمت پناه و عفت و طهارت دستگاه صالحه ساجده ملیحه بانو عفت و سیادت و نجابت و مغفرت پناه امیر سید علی نیشابوری...»

## ۱۲- سنگ مزار میرزای عجم

سنگ مزاری در اندازه  $۸۰ \times ۳۵$  سانتی متر که چهار طرف حاشیه آن کنده کاری اسلیمی شده و با خط خوش نستعلیق اشعاری را در حسرت فوت صاحب قبر حکاکی کرده اند که قسمتهایی از آن بر اثر فرسایش از بین رفته و مصراع آخر شعر، تاریخ فوت میرزای عجم صاحب سنگ را با حروف ابجد مشخص می‌کند.

شعر:

رفت از این دهر چو میرزای عجم	... از این غم به فغان حیف گفت
... ..	... ..
... ..	... ..
... این دامن گردون شفق	با دل خونین ... حیف گفت
مهر و ... چرخ در این غم به جان	شد چو به حسرت ز جهان حیف گفت
هاتفش ... از پی تاریخ فوت	تازه گلی گلشن جان حیف گفت
که «تازه گلی گلشن جان» به قرار حروف ابجد سال ۹۵۴ است.	

## ۱۳- سنگ مزار خواجه علاءالملک کدکنی

سنگ مزاری در ابعاد  $۵۰ \times ۴۵$  سانتی متر که این کلمات بر آن حک شده است:

«هذا مرقد رفعت و مغفرت پناه عزت و مرحمت دستگاه خواجه علاءالملک ابن عمدة الاکابر و الاهالی خواجه سعدالملک کدکنی توفی فی سنة ۱۰۳۸ هـ. ق.»

## ۱۴- سنگ مزار شیخ تاج‌الدین

سنگ مزار افراشته‌ای به رنگ سبز و ناتراشیده در اندازه  $۱۵۰ \times ۲۰$  سانتی متر که با خط ریزی جملات زیر بر آن دیده می‌شود:

«الحکم لله تعالی... ولد... السعید الشهد شیخ تاج‌الدین... الملک لله... التاریخ روز دوشنبه سیزده شهر ذوالقعدة... اربعین تسعمائه.»



## ۱۵- سنگ مزار خواجه عبدالحسین کدکنی

سنگ گور مذکور در اندازه  $۱۵۰ \times ۴۰$  سانتی‌متر که از کمر دو تا شده و در نتیجه بعضی از مطالب آن از بین رفته است. اشعاری بر چهار طرف آن به خط نستعلیق نوشته شده که قابل خواندن نبود. در متن سنگ مندرج است:

«هذا مرقد رفعت ومعالی پناه مغفرت دستگاه خواجه عبدالحسین ابن عمدة الاکابر والا... خواجه ضیاء... کدکنی...»

## ۱۶- سنگ مزار... بیگم

سنگ گوری در اندازه  $۵۰ \times ۵۰$  سانتی‌متر که بر حاشیه آن نقش اسلیمی خرطومی کنده کاری شده، در متن آن مندرج است:

«هذا مرقد مرحومه المغفوره عصمت پناه... بیگم بنت سیادت پناه... خواجه علی الحسنی، سنه ۱۰۵۵».

## ۱۷- سنگ مزار خواجه عبدالحسین

سنگ گوری در اندازه  $۵۰ \times ۳۰$  سانتی‌متر که قسمتهای فوقانی آن شکسته و نوشته‌های باقی مانده چنین است:

«... خواجه عبدالحسین ولد... سنه ۱۰۳۱».

۱۸- سنگ مزاری در اندازه  $۵۰ \times ۳۰$  سانتی‌متر که کناره‌های آن مقرنس کاری شده و بر حاشیه آن اسامی چهارده معصوم با خط ثلث حک شده و متن سنگ در پنج سطر نوشته شده که متأسفانه خواننده نشد.

۱۹- سنگ افراشته‌ای به رنگ قهوای به ارتفاع یک و نیم متر که فقط بر روی آن ذکر یاحق، یا هو حک شده است.

علاوه بر موارد بالا تعداد زیاد دیگری سنگ لوح در محل موجود است که متأسفانه نوشته‌های آنها از بین رفته است.

آن چنان که از مضمون سنگ قبرهای فوق بر می‌آید، اسامی پدر و اجداد صاحب قبرها هم ذکر شده است که سنگ قبری از ایشان در محل موجود نیست و شاید تعدادی

از سنگ گورهای خواننده نشده، متعلق به آنها باشد.

تعداد زیادی از سنگهای فوق متعلق به خواجهگان متصوفه خَلْویه است و از این سلسله و افراد آن در متون و تحقیقات فقط یک دو جا ذکر شده و چنین می‌نماید که رد پا و توصیفی از آنان در اسناد و مدارک موجود نباشد. برای اطمینان از این امر با آقای دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی مشورت شد. ایشان هم اظهار داشتند در هیچ مأخذی از این سلسله به طور اخص نامی برده نشده است، اینک جا دارد مختصری دربارهٔ پیشینهٔ این سلسله آورده شود.

### خَلْوٰی و خَلْوٰت

خَلْو (xālv) به فتح اول و دوم به معنی: خالی، تنها، منفرد و فارغ و بری است.<sup>۱</sup> و «ی» نسبت به دنبال آن نشان می‌دهد که شخص منسوب به خَلْو می‌باشد. پس با این تعبیر، خَلْوٰی یعنی کسی که خَلْوٰت و تنهایی را برگزیده است.

خلوت (xalvat) در اصطلاح صوفیه، دوره‌ای است که مرید و سالک، عمل انزوا و گوشه‌نشینی در زمانی معین و با آداب و شرایط خاص را غالباً به دستور پیر و مرشد در خانقاه یا زاویه انجام می‌دهد، و به سبب آن که این مدت غالباً یک اربعین (چهل روز) طول می‌کشد، آن را چله و چله‌نشینی می‌خوانند و در نزد صوفیه، خلوت و آداب آن قواعد مخصوصی دارد که در رعایت آن اهتمام دارند.<sup>۲</sup> مولوی گوید:

من نخواهم شد از این خلوت برون ز آن که مشغولم به احوال درون

حافظ گوید:

خلوت گزیده را به تماشا چه حاجت است

چون کوی دوست هست به صحرا چه حاجت است

۱. لغت‌نامهٔ دهخدا؛ برهان قاطع.

۲. غلامحسین مصاحب، دایرةالمعارف، انتشارات فرانکلین، ج دوم، بخش اول، سال ۱۳۴۵، ص ۲۱۷۱.

## فرقه خَلَوی کُبُروی

آن چنان که از متن سنگهای گور ذکر شده بر می‌آید، بیشتر ابن عارفان به فرقه صوفیه خَلَوی منتسب هستند که بنا به نوشته سنگ گور خواجه نظام‌الملک خَلَویه یکی از شعب سلسله کبروی است.

سلسله متصوفه کبروی یکی از شاخه‌های طریقت معروفیه است که بنا به مشهور، عموماً خرقه خود را از طریق معروف کرخی به امام رضا<sup>۱</sup> منسوب می‌دارند.<sup>۱</sup> فرقه صوفیه خلوی کدکن، شاخه‌ای از سلسله خلوتیه است<sup>۲</sup> که سند آن به شیخ محمد خلوتی می‌رسد.<sup>۳</sup> ایشان از اولاد و احفاد شیخ الاسلام احمد جامی نامقی است که در خوارزم دستگاه ارشاد و وعظ داشته،<sup>۴</sup> و بنا به گفته فصیح خوافی در ۲۸ جمادی اول سال (۷۵۱ هـ. ق) فوت کرده است.<sup>۵</sup>

میردان و سالکان محمد خلوتی از آن پس در خراسان بزرگ و ماوراء النهر و حتی غرب ایران پراکنده و به نشر مرام او پرداختند. از آن جمله در جام: شیخ نظام‌الدین خلوتی؛<sup>۶</sup> هرات: شیخ سیف‌الدین خلوتی<sup>۷</sup> و مولانا ظهیرالدین خلوتی؛<sup>۸</sup> بخارا: شیخ سراج‌الدین خلوتی<sup>۹</sup> و شیخ نورالدین خلوتی؛<sup>۱۰</sup> قهستان: درویش محمد خلوتی<sup>۱۱</sup> و

۱- دایرةالمعارف فارسی، همان، ص ۲۸۰۹ ۲- طبق نظر دکتر شفیعی کدکنی .

۳- معصوم علیشاه، طرایق الحقایق، به تصحیح محمد جعفر محبوب، کتابخانه سنایی، تهران، ج ۲، ص ۳۶۷.

- سید جعفر سجادی، فرهنگ اصطلاحات عرفانی، انتشارات زبان و فرهنگ ایران، تهران، ج اول، ۱۳۷۰، ص ۳۶۸.

- محمد جواد مشکور، فرهنگ فرق اسلامی، انتشارات آستان قدس، ۱۳۶۸، ص ۲۰۵.

۴- نورالدین عبدالرحمن جامی، نفعات الانس من حضرات القدس، مقدمه و تصحیح دکتر محمود عابدی، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۷۰، ص ۴۵۵.

۵- فصیحی خوافی، مجمل فصیحی، به تصحیح محمود فوخ، مشهد، بخارا، ص ۳.

۶- همان، ص ۱۰۶. ۷- طرایق الحقایق، ص ۳۶۷.

۸- همان، ص ۳۶۷؛ نفعات الانس، ص ۵۹۲.

۹- همان، ص ۳۶۷؛ فخرالدین کاشفی، رشحات عین الحیات، چاپ اصغر معینیان، تهران، ۱۳۵۶، ص ۹۸.

۱۰- شیخ محمدحسین آیتی، بهارستان، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۷۱، ص ۲۱۸.

۱۱- همان، ص ۲۱۶.

شمس‌الدین خلوتی<sup>۱</sup> و... و در غرب ایران و آسیای صغیر می‌توان از شیخ مزین نام برد که طریق خود را به ظهیرالدین خلوتی درست نموده‌است.<sup>۲</sup> شیخ عثمان افندی و اسماعیل حقی از بزرگان این سلسله در مناطق مذکور بوده‌اند. شاخه‌های بسیاری از آنان در کشورهای زیر بدین قرار است:

ترکیه: جراحیّه، اغباشیّه، عشاقیّه، نیازیه، سنبلیه، شمسیه، گلشنیه، شجاعیه.

مصر: ضیفیه، حصویه، سبائیّه، صاوبه، دردیریه، مغازیه.

مجاز و سومالی: صالحیه و رحمانیه در بلاد قبایلند.<sup>۳</sup>

اوج پیشرفت خلوتیان خراسان در دوره تیموری و تا اواسط صفویه بوده است. و خلویان کدکن که انشعابی از این سلسله هستند، مشخص نیست به واسطه چه شخصی در کدکن خانقاه دایر کرده‌اند. تنها منبعی که به یکی از اشخاص این سلسله اشاره می‌کند، همانا کتاب رشحات عین‌الحیات است که نویسنده آن در جایی می‌آورد: «.... می‌فرمودند شمس‌الدین محمد روجی که روزی در مرض موت حضرت مولانای ما سعدالدین کاشغری (متوفی ۸۶۰ هـ ق) شیخ مظفر کدکنی که بزرگی از سلسله خلویه با یک مرید به عیادت ایشان آمد...»<sup>۴</sup>

با این توصیفات مشخص می‌گردد که این مجموعه بنا، در کدکن بعد از قرن هشتم محل ارشاد و وعظ متصوفه خلوی کبروی بوده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱- زین العابدین شیروانی، بستان‌السیاحه، کلشن هیجدهم، ص ۴۰۳.

۲- لغت‌نامه دهخدا.

۳- فرهنگ فرق اسلامی، ص ۳۱۲.

۴- رشحات عین‌الحیات، ص ۹۸.